

متن کامل دعای عرفه و گریزهای مداحی دعا

با نواهی حاج محمود کریمی



بابُ الْحَرَمِ پایگاهِ متنِ روضه

وب سایت

www.babolharam.net

آدرس ارتباط در ایتا، تلگرام، سروش...

@babolharam_net

آدرس ارتباط در اینستاگرام

@babolharam__net

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اَللّٰهُمَّ كُنْ لَوَلِيِّكَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلاً وَعَيْنًا حَتَّى تُسْكِنَهُ اَرْضَكَ طَوْعاً وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلاً..

روا بود که گریبان ز هجر پاره کنم

دلم هوای تو کرده بگو چه چاره کنم

* این مجلس ما یه مزیت نسبت به عرفات داره، آی رفقا! عرفات اگه کسی روضه ی حسین بخونه تو نمی تونی خودت رو بزنی، نمی تونی سینه بزنی، نمی تونی لطمه بزنی، نمی تونی محکم رو دستت بزنی... اما اینجا داد زدن و گریه کردن و لطمه زدن آزاده... آخه تو عرفات حسینی لطمه زدن آزاده... آخه تو مقتل نوشته "لا طِمَاطِ الْوُجُوهِ" اینقده زینب به صورت لطمه زد... ای حسین...

ان شاءالله همه با هم یه روز عرفات اونجا خودمون رو هلاک کنیم برا حسین...اونجا
دیگه بمیره آدم...وقتی هم مرد دیگه حَرَجی برش نیست...میگن: اینقده بی بی زینب
سلام الله علیها گریه کرد،دق کرد.... *

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لِقَضَائِهِ دَافِعٌ * همه داشتن نگاش می کردن،چه جور
مناجات می کنه * وَلَا لِعَطَائِهِ مَانِعٌ وَلَا كَصُنْعِهِ صُنْعٌ صَانِعٍ وَهُوَ الْجَوَادُ الْوَاسِعُ
فَطَرَ أَجْنَاسَ الْبَدَائِعِ وَاتَّقَنَ بِحِكْمَتِهِ الصَّنَائِعَ لَا تَخْفَى عَلَيْهِ الطَّلَائِعُ وَلَا تَضِيعُ
عِنْدَهُ الْوَدَائِعُ جازى كُلِّ صَانِعٍ وَرَائِشُ كُلِّ قَانِعٍ وَرَاحِمُ كُلِّ ضَارِعٍ * سپاس
خدایى رو كه به هر بیچاره اى رحم میکنه... * وَمُنْزِلُ الْمَنَافِعِ وَالْكِتَابِ الْجَامِعِ
بِالنُّورِ السَّاطِعِ وَهُوَ لِلدَّعَوَاتِ سَامِعٌ * صدامون رو میشنوه... * وَلِلْكَرْبَاتِ دَافِعٌ
وَلِلدَّرَجَاتِ رَافِعٌ وَلِلْجَبَابِرَةِ قَامِعٌ فَلَا إِلَهَ غَيْرُهُ وَلَا شَيْءَ يَعْذِلُهُ وَلَيْسَ كَمِثْلِهِ
شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اَللّٰهُمَّ
اِنِّى اَرْغَبُ اِلَيْكَ وَاَشْهَدُ بِالرُّبُوبِيَّةِ لَكَ مُقِرّاً بِاَنَّكَ رَبِّى وَ اِلَيْكَ مَرَدِّى اِبْتَدَاْتَنِى
بِنِعْمَتِكَ قَبْلَ اَنْ اَكُونَ شَيْئاً مَذْكُوراً وَخَلَقْتَنِى مِنَ التُّرَابِ * من اصلاً نبودم به
نعمتِ خودت من رو بوجود آوردى...من رو از خاک خلق کردى * ثُمَّ اَسْكَنْتَنِى

الْأَصْلَابَ * در صُلب پدرانم ساکن کردی * آمِنَا لِرَيْبِ الْمَثُونِ وَاخْتِلَافِ الدُّهُورِ
 وَالسِّنِينَ فَلَمْ أَزَلْ طَاعِنًا مِنْ صُلْبٍ إِلَى رَحِمٍ * جام رو عوض کردی * فِى
 تَقَادُيمٍ مِنَ الْأَيَّامِ الْمَاضِيَةِ وَالْقُرُونِ الْخَالِيَةِ لَمْ تُخْرِجْنِى لِرَافَتِكَ بى وَلُطْفِكَ
 لى وَاحْسَانِكَ إِلَى فِى دَوْلَةِ أَيْمَةِ الْكُفْرِ * من رو در دولت ائمه کفر به دنیا
 نیاوردی... خارج نکردی... فکر کردی اگه یه زمانی به دنیا اومده بودی، قبل از
 اسلام... بعد می فهمیدی یه امام حسینی هست، چقدر حسرت می
 خوردیم... الحمد لله... الحمد لله پدر و مادرمون رو عاشق امام حسین کردی... اونا هم
 مارو عاشق تو کردن... ما هم بچه هامون رو عاشق بار میآریم... هر که در این حلقه
 نیست/فارق از این ماجراست... دولت ائمه کفر کدوماست؟ * الَّذِينَ نَقَضُوا عَهْدَكَ وَكَذَّبُوا
 رُسُلَكَ لِكِنَّكَ أَخْرَجْتَنى لِلَّذى سَبَقَ لى مِنَ الْهُدَى الَّذى لَهُ يَسَّرْتَنى وَفِيهِ
 أَنْشَأْتَنى * من رو به دنیا آوردی، در چه زمانی؟ در زمان خاتم پیغمبرانت، در این
 زمان من رو پرورش دادی * وَمِنْ قَبْلِ ذَلِكَ رَوُّتَ بى * از این خوبی ها با من قبلاً
 هم انجام دادی... * بِجَمِيلِ صُنْعِكَ وَسَوَابِغِ نِعَمِكَ فَابْتَدَعْتَ خَلْقى مِنْ مَنِىَّ
 يُمْنى * من رو به دنیا آوردی، از آب نطفه * وَأَسَكَّنْتَنى فِى ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ بَيْنَ

لَحْمٍ وَدَمٍ وَجِلْدٍ، لَمْ تُشْهِدْنِي خَلْقِي وَلَمْ تَجْعَلْ إِلَيَّ شَيْئاً مِنْ أَمْرِي ثُمَّ
 أَخْرَجْتَنِي لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَى إِلَى الدُّنْيَا تَأَمَّماً سَوِيّاً وَحَفِظْتَنِي فِي
 الْمَهْدِ طِفْلاً صَبِيّاً وَرَزَقْتَنِي مِنَ الْغِذَاءِ لَبَناً مَرِيّاً* من رو در گهواره که کوچیک
 بودم حفظ کردی... کی داره این حرف رو میزنه؟ آقا سیدالشهداء میگه، کسی که
 گهواره جنبانش جبرائیل بود، هر کی نگاه می کرد، می دید گهواره تکنون
 میخوره...چه خبره؟ گهواره ی حسین تکنون می خوره..رسول خدا فرمود: شما نمی
 بینید، جبرائیل داره گهواره رو تکنون میده...کسی که مادرش فاطمه باشه، جدش
 رسول خدا باشه گهواره جنبانش جبرائیل، کسی که پدرش امیرالمؤمنین باشه باید
 همین باشه، چرا راه دوری میریم، کسی که حسین باشه گهواره جنبانش جبرائیل...*

وَعَطَفْتَ عَلَيَّ قُلُوبَ الْحَوَاضِنِ وَكَفَلْتَنِي الْأُمّهَاتِ الرَّوَاحِمَ* مادران مهربان رو
 برای محافظت از ما قرار دادی...یکی از این مادرای مهربون، کسی بود که خود
 حسین بهش می گفت: مادر!...آی اُم البنین! * وَكَلَّاتَنِي مِنْ طَوَارِقِ الْجَانِّ
 وَسَلَّمْتَنِي مِنَ الزِّيَادَةِ وَالنُّقْصَانِ فَتَعَالَيْتَ يَا رَحِيمُ يَا رَحْمَنُ حَتَّى إِذَا
 اسْتَهْلَلْتُ نَاطِقاً بِالْكَلامِ، اَنْمَمْتَ عَلَيَّ سَوَابِغَ الْإِ نْعَامِ وَ رَبَّيْتَنِي زَائِداً فِي كُلِّ

عامٍ حَتَّى إِذَا اكْتَمَلَتْ فِطْرَتِي وَاعْتَدَلَتْ مِرَّتِي أَوْجَبْتَ عَلَيَّ حُجَّتَكَ بِأَنْ
 أَلْهَمْتَنِي مَعْرِفَتَكَ وَرَوَّعْتَنِي بِعَجَائِبِ حِكْمَتِكَ وَأَيَّقَظْتَنِي لِمَا ذَرَأْتَ فِي
 سَمَائِكَ وَ أَرْضِكَ مِنْ بَدَائِعِ خَلْقِكَ وَنَبَّهْتَنِي لِشُكْرِكَ وَذِكْرِكَ * به من گفתי من
 شکر تو بجا بیارم، یادم انداختی، گوش زد کردی... * وَأَوْجَبْتَ عَلَيَّ طَاعَتَكَ
 وَعِبَادَتَكَ * فرض کردی، واجب کردی عبادت رو بر من * وَفَهَّمْتَنِي مَا جَاءَتْ بِهِ
 رُسُلُكَ وَيَسَّرْتَ لِي تَقَبُّلَ مَرْضَاتِكَ وَمَنْنْتَ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ يِعُونُكَ
 وَلُطْفِكَ ثُمَّ إِذْ خَلَقْتَنِي مِنْ خَيْرِ الثَّرَى * من رو از بهترین خاک ها آفریدی * لَمْ
 تَرْضَ لِي يَا إِلَهِي نِعْمَةً دُونَ أُخْرَى * به یه نعمت هم راضی نشدی * وَرَزَقْتَنِي
 مِنْ أَنْوَاعِ الْمَعَاشِ وَصُنُوفِ الرِّيَاشِ * انواع و اقسام نعمت هارو به من دادی، لباس و
 زندگی... * بِمَنِّكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ عَلَيَّ وَاحْسَانِكَ الْقَدِيمِ إِلَيَّ حَتَّى إِذَا
 أَتَمَمْتَ عَلَيَّ جَمِيعَ النِّعَمِ وَصَرَفْتَ عَنِّي كُلَّ النِّقَمِ لَمْ يَمْنَعْكَ جَهْلِي
 وَجُرْأَتِي عَلَيْكَ أَنْ دَلَلْتَنِي إِلَى مَا يُقَرِّبُنِي إِلَيْكَ * همه ی نعمت ها رو به من
 تمام کردی، جهل و بی باکی و جرأت و جسارت من باعث نشد این نعمت هارو از من
 بگیری * وَوَفَّقْتَنِي لِمَا يُزِلُّغُنِي لَدَيْكَ * همه چی بهم دادی، تازه یه چیزای دیگه هم

هست * فَإِنْ دَعَوْتُكَ أَجَبْتَنِي * امام حسین داره میگه: هر موقع صدات زدم جواب دادی * وَإِنْ سَأَلْتُكَ أَعْطَيْتَنِي * هر موقع ازت خواستم عطا کردی * وَإِنْ أَطَعْتُكَ شَكَرْتَنِي * هر موقع اطاعت کردم پاداش دادی * وَإِنْ شَكَرْتُكَ زِدْتَنِي * شکر تو بجا آوردم، زیادهش کردی * كُلُّ ذَلِكَ إِكْمَالٌ لِأَنْعَمِكَ عَلَيَّ وَاحْسَانِكَ إِلَيَّ فَسُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ مِنْ مُبَدِّئٍ مُعِيدٍ حَمِيدٍ مَجِيدٍ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ وَعَظُمَتْ أَلَاؤُكَ فَآيَ نِعَمِكَ يَا إِلَهِي أَحْصِيَ عَدَدًا وَذِكْرًا * کدوم یک از نعمت های تو رو میشه شمرد؟، کدومش رو میشه یاد کرد؟... * أَمْ آيَ عَطَايَاكَ أَقُومُ بِهَا شُكْرًا * برا کدوم نعمت میشه شکر کرد... طرف به کلیه نداره، برا پیوند کلیه هی باید بره و بیاد، آزمایش خون باید بده، هی خون عوض کنه... خرج کنه... تا داریم شکر نمی کنیم... بعد امام حسین می فرمایند: نمیشه برا به دونه اش شکر کرد... * وَهِيَ يَا رَبِّ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ يُحْصِيَهَا الْعَادُّونَ أَوْ يَبْلُغَ عِلْمًا بِهَا الْحَافِظُونَ ثُمَّ مَا صَرَفْتَ وَدَرَأْتَ عَنِّي، اَللّٰهُمَّ مِنَ الضَّرِّ وَالضَّرَّاءِ، أَكْثَرُ مِمَّا ظَهَرَ لِي مِنَ الْعَافِيَةِ وَالسَّرَّاءِ وَأَنَا أَشْهَدُ يَا إِلَهِي بِحَقِيقَةِ إِيْمَانِي * شهادت میدم به حقیقت ایمانم... حالا تازه این نعمت هایی که تو بدن هست، ابی عبدالله اشاره میکنه، فقط بین چیارو داریم قدر نمی

دُونِیْمِ* وَعَقْدِ عَزَمَاتِ یَقِیْنِی وَ خَالِصِ صَرِیْحِ تَوْحِیْدِی وَ بَاطِنِ مَكُتُونِ ضَمِیْرِ
 وَ عَلَاقِی مَجَارِی نُورِ بَصَرِی وَ آسَارِیْرِ صَفْحَةِ جَبِیْنِی* بَا اسرارِ خطوطِ پِشُونِیْمِ...*
 وَ خُرْقِ مَسَارِبِ نَفْسِی* مَنَافِذِ رِیْهِ...* وَ خَذَارِیْفِ مَارِی عِرْزِیْنِی* حَسِ
 بُوِیایِ...* وَ مَسَارِبِ سِیْمَاخِ سَمْعِی* پَرْدِی گُوشِیْمِ...* وَ مَا ضُمَّتْ وَ أَطْبَقَتْ
 عَلَیْهِ شَفَتَایَ* بَا دُو لَبِیْمِ... آی قَرْبُونِ لَبَایِ خُونِیْتِ...* وَ حَرَكَاتِ لَفْظِ لِسَانِی
 وَ مَغْرَزِ حَنَكِ قَمِی وَ فَكِّی* امروزِ رُوزِ شَهَادَتِ مُسْلِمِ، آبِ آوَرْدَنِ بَرَا مُسْلِمِ، هَر چِی
 اُومَدِ آبِ بَخُورِهِ نَتُونِسْت... لَبِی وَ دَنَدَانِشِ پُرِ اَزِ خُونِ بُود... آبِ می رِیخْتِ تَوِی ظَرْفِ
 آبِ، بَا خُونِ مَخْلُوطِ مِیْشَدِ، آبِ رُو کِنَارِ رِیخْتِ، گُفْتِ: شَایِدِ رُوزِیْمِ نِیْسْتِ، بَایِدِ بَا لَبِ تَشْنِهِ
 جَانِ بَدَمِ... مَنِ یِه جَا دِیْگِه سِرَاغِ دَارَمِ کَرْبَلَا، جَلَوِی لَشْکَرِ رُو عِبَاسِ گُرفْتِ، عَرْضِ کُردِ:
 آقَا جَان! شَمَا بَرِیْدِ کِنَارِ آبِ، آبِ نُوْشِ جَانِ کُنِیْدِ، مَنِ دِلْوَاپَسِ شَمَا هَسْتِیْمِ، هَمِچِیْنِ کِه
 آبِ رُو بَالَا آوَرْدِ بَخُورِهِ، تِیْرِی اَصَابَتِ کُردِ بِه حَنَكِ حَضْرَتِ، تِیْرِی رُو یِیْرُونِ کَشِیْدِ، خُونِ
 رِیخْتِ تَوِی آبِ، هَر چِی اُومَدِ آبِ بَخُورِهِ، آبِ مُضَافِ شَدِ، هَمِیْنِ حَرْفِ رُو زَدِ، آبِ
 نَخُورْدِ...* وَ مَنَابِتِ اَصْرَاسِی* شَهَادَتِ مِیْدَمِ بَا مَکَانِ رُوئِیْدَنِ دَنْدُونَامِ... آی قَرْبُونِ

لب و دندان چوب خوردت آقا جان! * وَمَسَاغٍ مَطْعَمِي وَمَشْرَبِي * عَصَبِ قَوْه
 ذائقه ام... * وَحِمَالَةٍ أُمِّ رَأْسِي وَبُلُوعِ فَارِغِ حَبَائِلِ عُنْقِي * به رگ های
 گردنم... * وَمَا اشْتَمَلَ عَلَيْهِ تَامُورُ صَدْرِي وَحَمَائِلِ حَبْلِ وَتِينِي * به تمام رگ
 هام.. * وَنِيَاطِ حِجَابِ قَلْبِي وَآءِ فَلَاحِ حَوَاشِي كَبِدِي * به اونجا که قلب و جگر
 بهش وصل است... آی جگرم... * وَمَا حَوْتُهُ شَرَّاسِيفُ أَضْلَاعِي * به خمیدگی دنده
 های سینه ام... * وَحِقَاقُ مَفَاصِلِي * به بندهای مفصلم * وَقَبْضُ عَوَامِلِي * به
 عضلاتم.. قُوای عامله... * وَأَطْرَافُ أَنَامِلِي * وَلَحْمِي * گوشتم * وَدَمِي * خونم *
 وَشَعْرِي * موهام * وَبَشَرِي * پوستم * وَعَصَبِي وَقَصَبِي وَعِظَامِي وَمُخِّي
 وَعُرْوَقِي * به رگ هام، به استخوان هام * وَجَمِيعُ جَوَارِحِي وَمَا انْتَسَجَ عَلَى ذَلِكَ
 أَيَّامَ رِضَاعِي * و به تمام وجودم که در ایام شیر خوردنم تشکیل شده و به هم بافته
 شده * وَمَا أَقَلَّتِ الْأَرْضُ مِنِّي وَنَوْمِي وَيَقْظَتِي وَسُكُونِي وَحَرَكَاتِ رُكُوعِي
 وَسُجُودِي * با همه ی حالات هام، خوابم، بیداریم، آرامشم، رکوع و سجودم... * أَنْ لَوْ
 حَاوَلْتُ وَاجْتَهَدْتُ مَدَى الْأَعْصَارِ * با همه ی اینها چی میخوای بفرمایی آقا جان! *

وَالْأَحْقَابِ لَوْ عُمِرَتْهَا أَنْ أُؤَدَّى شُكْرَ وَاحِدَةٍ مِنْ أَنْعُمِكَ مَا اسْتَطَعْتُ ذَلِكَ* اگر

قرار بشه یه عمر بگذره و من شکر یه دونه از اینهارو بکنم، نمی تونم...*

الْمُوجِبِ عَلَىٰ بِهِ شُكْرُكَ أَبَدًا جَدِيدًا* الا اینکه تو به من منت بذاری، تو من رو

موفق کنی، تازه این یک شکر جدیدی داره...* وَتَنَاءً طَارِفًا عَتِيدًا أَجَلَ وَلَوْ

حَرَصْتُ أَنَا وَالْعَادُونَ مِنْ أَنَامِكَ أَنْ نُحْصِيَ مَدَىٰ إِنْعَامِكَ سَالِفِهِ وَآنِفِهِ مَا

حَصَرْنَاهُ عَدَدًا وَلَا أَحْصَيْنَاهُ أَمْدَ أَهْيَهِاتِ إِنِّي ذَلِكَ وَأَنْتَ الْمُخِيرُ فِي كِتَابِكَ

النَّاطِقِ، وَالنَّبَاءِ الصَّادِقِ وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا صَدَقَ كِتَابُكَ اللَّهُمَّ

وَأَنْبَاؤُكَ وَبَلَغْتَ أَنْبِيَائُكَ وَرُسُلُكَ مَا أَنْزَلْتَ عَلَيْهِمْ مِنْ وَحْيِكَ وَشَرَعْتَ لَهُمْ

وَبِهِمْ مِنْ دِينِكَ غَيْرَ أَنِّي يَا إِلَهِي أَشْهَدُ بِجُحْدِي وَجِدِّي وَمَبْلَغِ طَاعَتِي

وَوُسْعِي وَ أَقُولُ مُؤْمِنًا مُوقِنًا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا فَيَكُونَ

مَرُوثًا* ستایش خدایی رو که بچه دار نمیشه، زائیده ی کس دیگه ای هم نیست*

يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي مُلْكِهِ فَيُضَادَّهُ فِيمَا ابْتَدَعَ، وَلَا وَلِيٌّ مِنَ الدُّلِّ فَيُرْفِدَهُ فِيمَا

صَنَعَ فَسُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ لَوْ كَانَ فِيهِمَا إِلَهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا وَتَفَطَّرَتَا سُبْحَانَ

اللَّهِ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ الْحَمْدُ

لِلَّهِ حَمْدًا يُعَادِلُ حَمْدَ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَأَنْبِيَائِهِ الْمُرْسَلِينَ وَصَلَّى اللَّهُ

عَلَى خَيْرَتِهِ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمُخْلِصِينَ

وَسَلِّمَ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَخْشَاكَ كَأَنِّي أَرَاكَ وَأَسْعِدْنِي بِتَقْوِيكَ وَلَا تُشْقِنِي
 بِمَعْصِيَتِكَ وَخِرْلِي فِي قَضَائِكَ وَبَارِكْ لِي فِي قَدْرِكَ حَتَّى لَا أَحِبَّ تَعْجِيلَ مَا
 أَخَّرْتَ وَلَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ اللَّهُمَّ اجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي وَالْيَقِينَ فِي قَلْبِي
 وَالْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي وَالنُّورَ فِي بَصَرِي وَالْبَصِيرَةَ فِي دِينِي وَمَمِّعْنِي
 بِجَوَارِحِي وَاجْعَلْ سَمْعِي وَبَصَرِي الْوَارِثَيْنِ مِنِّي وَأَنْصُرْنِي عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي
 وَأَرِنِي فِيهِ ثَارِي وَمَارِبِي وَأَقِرَّ بِذَلِكَ عَيْنِي اللَّهُمَّ اكْشِفْ كُرْبَتِي وَاسْتُرْ
 عَوْرَتِي وَأَغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي وَأَخْسَأْ شَيْطَانِي وَفُكَّ رِهَانِي، وَاجْعَلْ لِي يَا
 إِلَهِي الدَّرَجَةَ الْعُلْيَا فِي الْآخِرَةِ وَالْأُولَى اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي
 فَجَعَلْتَنِي سَمِيعًا بَصِيرًا وَلَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي فَجَعَلْتَنِي خَلْقًا سَوِيًّا
 رَحْمَةً بِي وَقَدْ كُنْتُ عَنْ خَلْقِي غَنِيًّا رَبِّ بِمَا بَرَأْتَنِي فَعَدَلْتَ فِطْرَتِي رَبِّ بِمَا
 أَنْشَأْتَنِي فَأَحْسَنْتَ صُورَتِي رَبِّ بِمَا أَحْسَنْتَ إِلَيَّ وَفِي نَفْسِي عَافِيَتَنِي
 رَبِّ بِمَا كَلَأْتَنِي وَوَقَّقْتَنِي رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَهَدَيْتَنِي رَبِّ بِمَا أَوْلَيْتَنِي
 وَمِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَعْطَيْتَنِي رَبِّ بِمَا أَطْعَمْتَنِي وَسَقَيْتَنِي رَبِّ بِمَا أَغْنَيْتَنِي
 وَأَقْنَيْتَنِي رَبِّ بِمَا أَعْنَتَنِي وَأَعَزَّزْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَلْبَسْتَنِي مِنْ سِتْرِكَ الصَّافِي
 وَيَسَّرْتَ لِي مِنْ صُنْعِكَ الْكَافِي صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعِنِّي عَلَى
 بَوَائِقِ الدُّهُورِ وَصُرُوفِ اللَّيَالِي وَالْأَيَّامِ وَنَجِّنِي مِنْ أَهْوَالِ الدُّنْيَا وَكُرْبَاتِ الْآ
 خِرَةِ وَاكْفِنِي شَرَّ مَا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ فِي الْأَرْضِ اللَّهُمَّ مَا أَخَافُ فَاكْفِنِي وَمَا
 أَخْذَرُ فَاقْنِي وَفِي نَفْسِي وَدِينِي فَأَحْرُسْنِي وَفِي سَفَرِي فَاحْفَظْنِي وَفِي

أَهْلَى وَمَالَى فَأَخْلَفْنِي وَفِيمَا رَزَقْتَنِي فَبَارِكْ لِي وَفِي نَفْسِي فَذَلَّلْنِي وَفِي
 أَعْيُنِ النَّاسِ فَعَظِّمْنِي وَمِنْ شَرِّ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ فَسَلِّمْنِي وَبِذُنُوبِي فَلَا
 تَفْضَحْنِي وَبِسَرِيرَتِي فَلَا تُخْزِنِي وَبِعَمَلِي فَلَا تَبْتَلِنِي وَنِعْمَكَ فَلَا تَسْلُبْنِي
 وَإِلَى غَيْرِكَ فَلَا تَكِلْنِي. إلهی اِلی مَنْ تَكِلْنی؟ * به چه کسی میخوای من رو
 واگذار کنی؟... من در خونه چه کسی رو برم بزنم؟ * اِلی قَرِیبٍ فَيَقْطَعْنِي أَمْ اِلی
 بَعِيدٍ فَيَتَجَهَّمْنِي أَمْ اِلی الْمُسْتَضْعَفِينَ لِي * برم پیش کسی که من رو ضعیف
 میکنه * وَأَنْتَ رَبِّي وَمَلِكُ أَمْرِي * تو خدای منی، تو صاحب منی... * أَشْكُو إِلَيْكَ
 عُزْبَتِي * شکایت می کنم به تو از غربتم * وَبَعْدَ دَارِي وَهَوَانِي عَلَى مَنْ مَلَكَتُهُ
 أَمْرِي إلهی فَلَا تُحْلِلْ عَلَيَّ غَضَبَكَ * به من غضب نکن، با من قهر نکن... * فَإِنْ لَمْ
 تَكُنْ غَضِبْتَ عَلَيَّ فَلَا أُبَالِي سُبْحَانَكَ غَيْرَ أَنَّ عَافِيَتَكَ أَوْسَعُ لِي فَاسْأَلُكَ
 يَا رَبِّ بِنُورٍ وَجْهَكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ لَهُ الْأَرْضُ وَالسَّمَاوَاتُ * خدایا! به اون نوری
 که زمین و آسمانها رو روشن کرده.. به نور صورتت... فرمود: می دونی اون نوری که
 به کوه خورد و موسی غش کرد و همه مُردن کی بود؟ فرمود: اون نور جلوه ای از
 جلوات سلمان بود... حالا بین امیرالمؤمنین کی بود... * وَكُشِفَتْ بِهِ الظُّلُمَاتُ.

وَصَلَحَ بِهِ أَمْرُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ أَنْ لَا تُمِيتَنِي عَلَى غَضَبِكَ وَلَا تُنْزِلَ بِي
سَخَطَكَ لَكَ الْعُتْبَى لَكَ الْعُتْبَى حَتَّى تَرْضَى قَبْلَ ذَلِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ رَبَّ
الْبَلَدِ الْحَرَامِ وَالْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَالْبَيْتِ الْعَتِيقِ الَّذِي أَحَلَلْتَهُ الْبَرَكَةَ وَجَعَلْتَهُ
لِلنَّاسِ أَمْنًا يَا مَنْ عَفَا عَنْ عَظِيمِ الذُّنُوبِ بِحِلْمِهِ يَا مَنْ أَسْبَغَ النِّعَمَاءَ بِفَضْلِهِ
يَا مَنْ أَعْطَى الْجَزِيلَ بِكَرَمِهِ يَا عُدَّتِي فِي شِدَّتِي يَا صَاحِبِي فِي
وَحْدَتِي * اِی هم صحبت من در تنهایی... * یا غیاثی فی کُرْبَتی * اِی به داد رس
من در رنج و تنهایی... * یا وَلِیّی فی نِعْمَتی یا اِلَهِی وَآلَہٗ اَبَائی * اِی خدای
من و پدارنِ من... * اِبْرَاهِیْمَ وَاسْمَاعِیْلَ وَاسْحَقَ وَیَعْقُوبَ وَرَبَّ جَبْرَیْلَ
وَمِیْکائِیْلَ وَاسْرَافِیْلَ وَرَبَّ مُحَمَّدٍ خَاتِمِ النَّبِیِّیْنَ وَآلِہِ الْمُتَنَجِّبِیْنَ وَمَنْزِلَ التَّوْرِیْہِ
وَالْاِنْجِیْلِ وَالزَّبُورِ وَالْفُرْقَانِ وَمَنْزِلَ کَہِیْعَصَّ وَطَہِ وَیَسَّ وَالْقُرْآنِ الْحَکِیْمِ، أَنْتَ
کَہْفِی حِیْنَ تُعِیْنِی الْمَذَہِبُ فِی سَعَتِہَا وَتَضِیْقُ بِی الْاَرْضُ بِرُحْبِہَا وَلَوْ
رَحِمْتُكَ لَكُنْتُ مِنَ الْهَالِكِينَ * اِگہ رحمتِ تو نبود من از هلاک شدگان بودم... *
وَأَنْتَ مُقِیْلُ عَثْرَتِی وَلَوْ لَا سَتْرُكَ اِیَّایَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِیْنَ * لغزشم رو کم
کردی، اِگہ پرده پوشیِ تو نبود، من از رسوا شدگان بودم... * وَأَنْتَ مُؤَيِّدِی بِالنَّصْرِ
عَلَى اَعْدَائِی * تو یاور من بودی بر پیروزی بر دشمنانم... * وَلَوْ لَا نَصْرُكَ اِیَّایَ

لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ* اگر نصر تو نبود من شکست می خوردم...* یا مَنْ خَصَّ
نَفْسَهُ بِالسُّمُوِّ وَالرِّفْعَةِ أَوْلِيَائَهُ بِعِزِّهِ يَعْتَزُّونَ یا مَنْ جَعَلَتْ لَهُ الْمُلُوكُ نِيرَ
الْمَذَلَّةِ عَلَى أَعْنَاقِهِمْ فَهُمْ مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ، يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا
تُخْفِي الصُّدُورُ وَ غَيْبَ مَا تَأْتِي بِهِ الْأَزْمِنَةُ وَالذُّهُورُ یا مَنْ لَا يَعْلَمُ كَيْفَ هُوَ إِلَّا
هُوَيَا مَنْ لَا يَعْلَمُ مَا هُوَ إِلَّا هُوَ یا مَنْ لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا هُوَ یا مَنْ كَبَسَ الْأَرْضَ
عَلَى الْمَاءِ وَسَدَّ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ* ای کسی که زمین رو در آب فرو بردی، برای
هوا سد قرار دادی...* یا مَنْ لَهُ أَكْرَمُ الْأَسْمَاءِ یا ذَا الْمَعْرُوفِ الَّذِي لَا يَنْقَطِعُ
أَبَدًا یا مُقَيِّضَ الرِّكْبِ لِيُوسُفَ فِي الْبَلَدِ الْقَفْرِ* ای کسی که قافله رو نگه داشتی
برای نجاتِ یوسف، یوسف رو اندختن تو چاه، قافله ای اومد از چاه آب بکشه، یوسف
رو پیدا کردن...* وَمُخْرِجَهُ مِنَ الْجُبِّ وَجَاعِلَهُ بَعْدَ الْعُبُودِيَّةِ مَلِكًا* بعد از بندگی
عزیز مصر قرار دادی یوسف رو...* یا رَادَّهُ عَلَى يَعْقُوبَ بَعْدَ أَنْ ابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ
الْحُزَنِ فَهُوَ كَظِيمٌ* ای کسی که یوسف رو به یعقوب رساندی...همچین که علی
اکبرش رو راهی کرد، صدا زد: {یا رَادَّهُ يُوسُفَ عَلَى يَعْقُوبَ} ای کسی که یوسف
رو به یعقوب رساندی...علی اکبرم رو به من برسان...* یا كَاشِفَ الضُّرِّ وَالْبَلَاءِ عَنْ

أَيُّوبَ* ای کسی که رنج و محنت رو از ایوب گرفتی... * وَمُمْسِكَ يَدَيَّ اِبْرٰهِيْمَ
 عَنْ ذَبْحِ ابْنِهِ بَعْدَ كَبْرِ سِنِّهِ وَفَنَاءِ عُمُرِهِ * ای کسی که دست ابراهیم رو گرفتی
 که ابراهیم اسماعیلش رو ذبح نکنه، بعد از اینکه اسماعیل بزرگ شده، ابراهیم هم
 عمرش رو کرده، صدا زد ابراهیم مادر اسماعیل رو، گفت: ما داریم یه مهمونی
 میریم، لباس نو تن بچه کن، طناب برداشت، کارد برداشت، خدا بهش امر کرده، باید بچه
 اش رو ذبح کنه، آورد اسماعیلش رو در کوه منا... فرمود: پسر! دیگه باید وعده ی خدا
 رو عملی کنم، خدا خواسته من تو رو سر ببرم، فرمود: بابا! هر چی خدا میگه همون رو
 عمل کن، چرا طناب خواستی بابا؟ فرمود: ترسیدم دست و پا بزنی زیر دست و پای
 من، زیر خنجر دست و پا بزنی دلم بلرزه، دستام شل بشه در انجام تکلیف الهی... گفت:
 بابا طناب ببندی یه خوبی هم داره، من که دست و پا بزدم، گرد و خاک بلند میشه رو
 صورتت میشینه... دست و پای بچه رو بست، آرام دست بُرد میان کاکل
 اسماعیلش، چشماش رو بست، مبادا چشمش تو چشم بچه بیوفته... بعد از این همه عمر
 خدا به ابراهیم اسماعیل داده... خوابوند بچه رو، کارد رو تیز کرده، از احسانی که در

صید میشه به مذبوح میشه کرد اینه که کارد تیز باشه، ظلم این که کارد تیز نباشه... کارد
 رو ابراهیم تیز کرده که بچه آنی درد نکشه، سریع بُره، کاکل اسماعیلش رو
 گرفت، کارد رو گذاشت رو گردن بچه، بچه ی خودش، کشید دید نمی بُره، هر چی
 عقب جلو کرد کارد رو دید فایده نداره، ناراحت شد، حکم خدارو اومدم انجام بدم
 نشد، زد کارد رو به زمین، خورد به سنگ، سنگ از ضربه کارد دو نصف شد، خطاب
 اومد، دست نگه دار... فرمود: ابراهیم! خدا فرموده: به جای اسماعیلت این قوچ رو ذبح
 کنی... ناراحت بود گریه می کرد، صدا زد: جبرائیل نکنه قربانی من قبول نیست... گفت:
 چرا قبول ابراهیم... اما این کار تو نیست، غصه های بعدش مال تو نیست... { وَ قَدَّيْنَاهُ
بَذْبَحٍ عَظِيمٍ } ابراهیم! اسماعیل! بشینید، می خوام براتون روضه بخونم، یه روزی میاد
 کنار دو نهر آب، یه جوانی رو جلو چشم بابا پاره پاره میکنند گرگ ها... یه روزی میاد
 یکی از بچه هات رو هر کاری می کنند مثل خنجر تو نمی بُره، آخر از قفا با دوازده
 ضربت سر از بدنش جدا میکنند... ابراهیم به بچه ات آیم دادی، پاشو برو به سلامت،
 نذرت هم قبول شد، فدایت رو هم قبول کردیم، بچه رو برداشت آورد ابراهیم، اما

مادر دلشوره داره، همچین دید داره با اسماعیل میاد، دوید عرض ادب کرد به پیامبر
 خدا، بچه اش رو بغل کرد، بوسیدش، همه جای بچه اش رو نگاه کرد، نکنه
 زخمی، کبودی به بدن بچه باشه، یه وقت نگاه دید جای چاقو رو گردن بچه اش
 افتاده، یه وقت دیدن هاجر غش کرد، بعضی ها میگن: چند رو بعدش مُرد... ای
 وای... کجا میخوای بری؟! امان از دلِ رباب... همچین که حسین این بچه رو تو قبر
 گذاشت، برای اینکه رباب زخم گردن رو نبینه، صورت و گردن رو دقیق روی بدن
 قرار داد... ای حسین... * یا مَنْ اسْتَجَابَ لِزَكَرِيَّا فَوَهَبَ لَهُ يَحْيٰى وَلَمْ يَدْعُهُ فَرْدًا
 وَحِيدًا * ای کسی که استجابت کردی دعای زکریا رو... زکریا روضه رو شنید، سن و
 سالش زیاده، عرض کرد: خدایا به من هم پسری عطا کن، عین همین پسر کشته
 بشه، عینِ پسرِ پیغمبر خاتم کشته بشه، و من داغش رو بینم، به موافقت عزای رسول
 خاتم من هم عزادار بشم، خدا یحیی رو بهش داد، دو نفر در عالم شش ماهه به دنیا
 اومدن و سالم موندن، یکی یحیی و یکی جگر گوشه ی فاطمه است، بزرگ شد، سر
 یحیی رو بریدن، تشنه میان تشت طلا گذاشتن، دیدن زکریا زیر لب داره روضه

میخونه،هی میگه: حسین! عزیز زهرا!...* یا مَنْ أَخْرَجَ يُوسُفَ مِنْ بَطْنِ الْحُوتِ* ای
 کسی که یونس رو از دل ماهی خارج کردی...* یا مَنْ فَلَقَ الْبَحْرَ لِبَنِي إِسْرَآئِيلَ
 فَأَنْجَاهُمْ* ای کسی که دریارو برای بنی اسرائیل شکافتی و نجاتشون دادی...*
 وَجَعَلَ فِرْعَوْنَ وَجُنُودَهُ مِنَ الْمُغْرَقِينَ* فرعون و جنود و سپاهش رو غرق کردی...*
 یا مَنْ أَرْسَلَ الرِّیَاحَ مُبَشِّرَاتٍ بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ* فرمود: موسی! اگر فرعون با این
 همه شقاوتش که صدا زد: موسی کمکم کن، اگر یه بار زبونی صدا می زد: یا ربَّ
 موسی، ای خدای موسی، یه بار منو صدا میزد من نجاتش میدادم...* یا مَنْ لَمْ
 يَعْجَلْ عَلَى مَنْ عَصَاهُ مِنْ خَلْقِهِ یا مَنْ اسْتَنْقَذَ السَّحْرَةَ مِنْ بَعْدِ طُولِ
 الْجُحُودِ وَقَدْ غَدَا فِي نِعْمَتِهِ يَأْكُلُونَ رِزْقَهُ، وَيَعْبُدُونَ غَيْرَهُ وَقَدْ حَادَّوْهُ وَنَادَّوْهُ
 وَكَذَّبُوا رُسُلَهُ یا آلهه یا الله یا بَدِئُ یا بَدِيعُ لا نِدْلَكَ یا دَائِمًا لا نَفَادَ لَكَ یا حَيًّا
 حِينَ لا حَيَّ یا مُحْيِيَ الْمَوْتِ یا مَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ یا
 مَنْ قَلَّ لَهُ شُكْرُی فَلَمْ يَحْرِمْنِی وَعَظُمَتْ خَطِيئَتِی فَلَمْ يَفْضَحْنِی* ای کسی
 که من شکرش رو کم کردم، ولی محروم نکرد، ای کسی که گناهان بزرگ انجام
 دادم منو رسوا نکرد* وَرَآنِی عَلَى الْمَعَاصِی فَلَمْ يَشْهَرْنِی* منو در حال گناه

کردن دید ولی انگشت نمام نکرد... * یا مَنْ حَفِظَنِي فِي صِغَرِي * ای کسی که من
 رو در خردسالی حفظ کردی * یا مَنْ رَزَقَنِي فِي كِبَرِي * ای کسی که من رو در
 بزرگی رزق دادی * یا مَنْ آيَدِيهِ عِنْدِي لَا تُخْصِي * ای کسی که نعمت هاش
 شمرده شدنی نیست * وَنِعْمُهُ لَا تُجَازِي يَا مَنْ عَارَضَنِي بِالْخَيْرِ وَالْإِحْسَانِ
 وَعَارَضْتُهُ بِالْإِسَاءَةِ وَالْعِصْيَانِ يَا مَنْ هَدَانِي لِلْإِيْمَانِ مِنْ قَبْلِ أَنْ أَعْرِفَ شُكْرَ
 الْأَمْتِنَانِ يَا مَنْ دَعَوْتُهُ مَرِيضاً فَشَفَانِي * ای کسی که تو رو خواندم مریض
 بودم، شفا دادی... * وَعُزِّيَانَا فَكَسَانِي * برهنه بودم لباسم پوشوندی... آخ لباس
 خودش حرف داره، لباس وقتی در آوردنش راحت که یه جایی از بدن گچ نشده
 باشه، تا حالا حساب کردی لباس از تن کسی بخوان در بیارن تو بدن تیر و نیره باشه
 چیکار میکنن، باید لباس رو پاره پاره کنند... * وَجَائِعاً فَاشْبَعَنِي * گرسنه بودم به
 من غذا دادی... * وَعَطَشَاناً فَارْوَانِي * تشنه بودم سیرابم کردی... من اینجا می رسم
 یادِ یه خط شعر می افتم... زخانه ها همه بوی طعام بشنیدم/ ولی به جانِ تو بابا گرسنه خوابیدم... این
 نامردا توی این سه روزی که پشت دروازه ساعات بودن، غذاهای عطر آگین می
 آوردن برای سربازشون، بچه ها همه گرسنه... * وَذَلِيلاً فَاعَزَّنِي وَجَاهِلاً فَعَرَّفَنِي

وَوَحِيداً فَكَثَّرَنِي وَغَائِباً فَرَدَّنِي وَمُقِلاًّ فَأَغْنَانِي وَمُنْتَصِراً فَنَصَرَنِي وَغَنِيّاً فَلَمْ
يَسْأَلْنِي وَأَمْسَكْتُ عَنْ جَمِيعِ ذَلِكَ فَابْتَدَأَنِي فَلَكَ الْحَمْدُ وَالشُّكْرُ يَا مَنْ
أَقَالَ عَثْرَتِي وَنَفَّسَ كُرْبَتِي وَأَجَابَ دَعْوَتِي وَسَتَرَ عَوْرَتِي وَغَفَرَ ذُنُوبِي
وَبَلَّغَنِي طَلِبَتِي وَنَصَرَنِي عَلَى عَدُوِّي وَإِنْ أَعَدَّ نِعَمَكَ وَمِنَّكَ وَكَرَائِمَ مِنْحِكَ
لَا أَحْصِيهَا يَا مَوْلَايَ ، *اینجا دیگه اوج مناجات و عشق بازی با خداست...* أَنْتَ
الَّذِي مَنَنْتَ *تو به من مَنّت گذاشتی...* أَنْتَ الَّذِي أَنْعَمْتَ أَنْتَ الَّذِي أَحْسَنْتَ
أَنْتَ الَّذِي أَجَمَلْتَ أَنْتَ الَّذِي أَفْضَلْتَ أَنْتَ الَّذِي أَكَمَلْتَ أَنْتَ الَّذِي رَزَقْتَ أَنْتَ
الَّذِي وَفَّقْتَ أَنْتَ الَّذِي أَعْطَيْتَ أَنْتَ الَّذِي أَغْنَيْتَ أَنْتَ الَّذِي أَفْنَيْتَ أَنْتَ الَّذِي
أَوَيْتَ أَنْتَ الَّذِي كَفَيْتَ أَنْتَ الَّذِي هَدَيْتَ أَنْتَ الَّذِي عَصَمْتَ أَنْتَ الَّذِي سَتَرْتَ
أَنْتَ الَّذِي غَفَرْتَ أَنْتَ الَّذِي أَقَلْتَ أَنْتَ الَّذِي مَكَّنْتَ أَنْتَ الَّذِي أَعَزَّزْتَ أَنْتَ
الَّذِي أَعَنْتَ أَنْتَ الَّذِي عَصَدْتَ أَنْتَ الَّذِي آيَدْتَ أَنْتَ الَّذِي نَصَرْتَ أَنْتَ الَّذِي
شَفَيْتَ أَنْتَ الَّذِي عَافَيْتَ أَنْتَ الَّذِي أَكْرَمْتَ ، تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ
دَائِماً* این همه به من کمک کردی، مَنّت گذاشتی، لطف و احسان کردی، کرامت
کردی، روزیم دادی، موفقم کردی، عطا کردی، بی نیازم کردی، سرمایه ام دادی، پناهیم
دادی، عصمت از گناه بهم دادی، پرده پوشی کردی، لغزش هام رو کم کردی، عزیزم
کردی، یاریم کردی، پیروزم کردی، سلامتی بهم دادی...* وَلَكَ الشُّكْرُ وَاصِباً أَبَداً

ثُمَّ أَنَا يَا إِلَهِي * مِنْ حَالًا جِيكَار كُردَم... * الْمُعْتَرِفُ بِذُنُوبِي فَاعْفِرْهَا لِي * مِنْ
 اعتراف می کنم به گناهانم.. "آی رفیق! ارباب ما داره اینجوری یادِ ما میده... حرف
 بزَن با خدات، روزِ عرفه است... * أَنَا الَّذِي آسَأْتُ * مِنْ كَسِي هَسْتَم كِه جَسَارَت
 كُردَم * أَنَا الَّذِي أَخْطَأْتُ أَنَا الَّذِي هَمَمْتُ أَنَا الَّذِي جَهَلْتُ أَنَا الَّذِي غَقَلْتُ أَنَا
 الَّذِي سَهَوْتُ أَنَا الَّذِي اعْتَمَدْتُ أَنَا الَّذِي تَعَمَّدْتُ أَنَا الَّذِي وَعَدْتُ وَأَنَا الَّذِي
 أَخْلَفْتُ أَنَا الَّذِي نَكَّثْتُ * مِنْ نَامِرْدِي كُردَم، پیمان شکنی كُردَم، اینارو امام حسین
 يادِ ما داده... * أَنَا الَّذِي أَقَرَرْتُ * مِنْ اقرار می کنم * أَنَا الَّذِي اعْتَرَفْتُ
 بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَعِنْدِي وَأَبُوءُ بِذُنُوبِي فَاعْفِرْهَا لِي يَا مَنْ لَا تَضُرُّهُ ذُنُوبُ عِبَادِهِ
 وَهُوَ الْغَنِيُّ عَنِ طَاعَتِهِمْ وَالْمُؤَوِّقُ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْهُمْ بِمَعُونَتِهِ وَرَحْمَتِهِ
 فَلَكَ الْحَمْدُ إِلَهِي وَسَيِّدِي إِلَهِي أَمَرْتَنِي فَعَصَيْتُكَ وَنَهَيْتَنِي فَأَرْتَكَبْتُ
 نَهْيَكَ، فَاصْبَحْتُ لَا ذَا بَرَاءَةٍ لِي فَاعْتَذِرْ وَلَا ذَا قُوَّةٍ فَأَنْتَصِرُ فَبِأَيِّ شَيْءٍ
 اسْتَقْبَلُكَ يَا مَوْلَايَ ابْسَمْعِي أَمْ بِبَصَرِي أَمْ بِلِسَانِي أَمْ بِيَدِي أَمْ بِرِجْلِي
 أَلَيْسَ كُلُّهَا نِعْمَكَ عِنْدِي وَبِكُلِّهَا عَصِيَّتُكَ يَا مَوْلَايَ فَلَكَ الْحُجَّةُ وَالسَّبِيلُ
 عَلَيَّ يَا مَنْ سَتَرْتَنِي مِنَ الْإِبَاءِ وَالْأُمَّهَاتِ أَنْ يَزْجُرُونِي وَمِنَ الْعَشَائِرِ وَالْأَخْوَانِ
 أَنْ يُعَيِّرُونِي وَمِنَ السَّلَاطِينِ أَنْ يُعَاقِبُونِي وَلَوْ اطَّلَعُوا يَا مَوْلَايَ عَلَيَّ مَا
 اطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي إِذَا مَا أَنْظَرُونِي وَلَرَفَضُونِي وَقَطَعُونِي فَهَا أَنَا ذَا يَا إِلَهِي

بَيْنَ يَدَيْكَ يَا سَيِّدِي، خَاضِعٌ ذَلِيلٌ حَصِيرٌ حَقِيرٌ لَا ذُو بَرٍّ آتِيهِ فَاعْتَذِرْ وَلَا ذُو قُوَّةٍ
فَانْتَصِرْ وَلَا حُجَّةٍ فَاحْتَجَّ بِهَا وَلَا قَائِلٌ لَمْ أَجْتَرِحْ وَلَمْ أَعْمَلْ سُوءًا وَمَا عَسَى
الْجُحُودَ وَلَوْ جَحَدْتُ يَا مَوْلَايَ يَنْفَعُنِي كَيْفَ وَأَنْتَى ذَلِكَ وَجَوَارِحِي كُلُّهَا
شَاهِدَةٌ عَلَيَّ بِمَا قَدْ عَمِلْتُ وَعَلِمْتُ يَقِينًا غَيْرَ ذِي شَكٍّ أَنْتَ سَائِلِي مِنْ
عَظَائِمِ الْأُمُورِ وَأَنْتَ الْحَكَمُ الْعَدْلُ الَّذِي لَا تَجُورُ وَعَدْلُكَ مُهْلِكِي وَمِنْ كُلِّ
عَدْلِكَ مَهْرَبِي فَإِنْ تُعَذِّبْنِي يَا إِلَهِي فَيَذُوبُنِي بَعْدَ حُجَّتِكَ عَلَيَّ وَإِنْ تَعْفُ
عَنِّي فَيَحْلِمِكَ وَجُودِكَ وَكَرَمِكَ* **این فراز اول ذکر یونسیه است، هر وقت گرفتار**

شدی این ذکر رو بگو.. خدایی جز تو نیست، پاک و منزهی، در حالی که من از

ظالمین هستم...* لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ ، لَا

إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ

إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُوَجِّدِينَ ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْخَائِفِينَ ،

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْوَجِلِينَ ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الرَّاجِينَ ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ

الرَّاغِبِينَ ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُهْلَلِينَ ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ السَّائِلِينَ ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ

مِنَ الْمُسَبِّحِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُكَبِّرِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

سُبْحَانَكَ رَبِّي وَرَبُّ آبَائِي الْأَوَّلِينَ، اللَّهُمَّ هَذَا ثَنَائِي عَلَيْكَ مُمَجِّدًا وَاخْلَاصِي

لِذِكْرِكَ مُوحِّدًا وَاقْرَارِي بِالْإِيكَ مُعَدِّدًا وَإِنْ كُنْتُ مُقِرًّا أَنِّي لَمْ أَحْصِهَا لِكَثَرَتِهَا
وَسُبُوحِهَا وَتَظَاهِرِهَا وَتَقَادُمِهَا إِلَى حَادِثٍ مَا لَمْ تَزَلْ تَتَعَهَّدُنِي بِهِ مَعَهَا مُنْذُ
خَلَقْتَنِي وَبَرَأْتَنِي مِنْ أَوَّلِ الْعُمُرِ مِنَ الْإِغْنَاءِ مِنَ الْفَقْرِ وَكَشَفِ الضُّرِّ وَتَسْبِيبِ
الْيُسْرِ وَدَفْعِ الْعُسْرِ وَتَفْرِيجِ الْكَرْبِ وَالْعَافِيَةِ فِي الْبَدَنِ وَالسَّلَامَةِ فِي الدِّينِ
وَلَوْ رَفَدَنِي عَلَى قَدْرِ ذِكْرِ نِعْمَتِكَ جَمِيعُ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ مَا
قَدَرْتُ وَلَا هُمْ عَلَى ذَلِكَ تَقَدَّسْتَ وَتَعَالَيْتَ مِنْ رَبِّ كَرِيمٍ عَظِيمٍ رَحِيمٍ لَا
تُخْصِي الْأَوْكَ، *قدر خودت رو بدون، آی جوان! این طوری نبوده، اینهارو ما همه
مدیون خون شهدا و امام هستیم... قدیم اینجوری نبوده، باید می گشتی تا به بچه ی
حسینی پیدا کنی، چیزی هم که این انقلاب رو یاری کرد امام حسین بود... جوان
مناجات خون کم بود، الحمدالله همه ی ما و شما به لطف زحمات امام و به برکت
خون شهدا مناجات خوندن رو یاد گرفتیم... الحمدالله به برکت زحمات همه ی
نوکرای این انقلاب اونایی که رفتن، به لطف زحمات جانبازا و آزاده ها حالا عرفه می
خونیم... حالا دیگه می دونی برا چه کسی میخوای گریه کنی، سینه بزنی... *وَلَا يُبَلِّغُ
ثَنَاؤُكَ وَلَا تُكَافِي نِعْمَاؤُكَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَتِمِّمْ عَلَيْنَا نِعْمَكَ*
ما هم دلمون غروب عرفه رو میخواد، یواش یواش چادرهارو جمع می کنند، همه باید

راه بیوفتند، امام زمان هم باید راه بیوفته... * وَأَسْعِدْنَا بِطَاعَتِكَ سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا

أَنْتَ اللَّهُمَّ إِنَّكَ تُجِيبُ الْمُضْطَرَّ وَتَكْشِفُ السُّوءَ وَتُغِيثُ الْمَكْرُوبَ وَتَشْفِي
السَّقِيمَ وَتُغْنِي الْفَقِيرَ وَتَجْبُرُ الْكَسِيرَ وَتَرْحَمُ الصَّغِيرَ وَتُعِينُ الْكَبِيرَ وَلَيْسَ
دُونَكَ ظَهِيرٌ وَلَا فَوْقَكَ قَدِيرٌ وَأَنْتَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ يَا مُطْلِقَ الْمُكَبَّلِ الْأَسِيرِ يَا
رَازِقَ الطِّفْلِ الصَّغِيرِ يَا عِصْمَةَ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ يَا مَنْ لَا شَرِيكَ لَهُ وَلَا
وَزِيرَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعْطِنِي فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ أَفْضَلَ مَا
أَعْطَيْتَ وَأَنْتَ أَحَدًا مِنْ عِبَادِكَ مِنْ نِعْمَةٍ تُؤَلِّيها وَآلٍ تُجَدِّدُها وَبَلِيَّةٍ تَصْرِفُها
وَكُرْبَةٍ تَكْشِفُها وَدَعْوَةٍ تَسْمَعُها وَحَسَنَةٍ تَقْبَلُها وَسَيِّئَةٍ تَتَغَمَّدُها إِنَّكَ لَطِيفٌ
بِمَا تَشَاءُ خَبِيرٌ وَعَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَقْرَبُ مَنْ دُعِيَ وَأَسْرَعُ مَنْ
أَجَابَ وَأَكْرَمُ مَنْ عَفَى وَأَوْسَعُ مَنْ أَعْطَى وَأَسْمَعُ مَنْ سُئِلَ يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا
وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا لَيْسَ كَمِثْلِكَ مَسْئُولٌ وَلَا سِوَاكَ مَأْمُولٌ دَعْوُوكَ
فَاجَبْتَنِي وَسَأَلْتُكَ فَأَعْطَيْتَنِي وَرَغِبْتُ إِلَيْكَ فَارْحَمْتَنِي، وَوَقَّعْتُ بِكَ فَانْجَيْتَنِي
وَفَزَعْتُ إِلَيْكَ فَكَفَيْتَنِي اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ
وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ وَتَمِّمْ لَنَا نِعْمَاتِكَ وَهَيِّئْ لَنَا عَطَاكَ
وَاجْعَلْ لَنَا شَاكِرِينَ وَلَا لَنَا لَئِيكَ ذَاكِرِينَ آمِينَ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ يَا مَنْ
مَلَكَ فَقْدَرُوقْدَرٍ فَقَهَرَ وَعُصِيَ فَسْتَرَّ وَاسْتَغْفَرَ فَغَفَرَ يَا غَايَةَ الطَّالِبِينَ الرَّاعِبِينَ
وَمُنْتَهَى أَمَلِ الرَّاجِينَ يَا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا وَوَسِعَ الْمُسْتَغِيلِينَ رَأْفَةً

وَرَحْمَةً وَحِلْمًا. اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ الَّتِي شَرَفْتَهَا
وَعَظَّمْتَهَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَرَسُولِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَآمِينَكَ عَلَى وَحْيِكَ
الْبَشِيرِ النَّذِيرِ السِّرَاجِ الْمُنِيرِ الَّذِي اَنْعَمْتَ بِهِ عَلَى الْمُسْلِمِينَ وَجَعَلْتَهُ
رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ كَمَا مُحَمَّدٌ اَهْلٌ لِّذَلِكَ
مِنْكَ يَا عَظِيمُ فَصَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَى اٰلِهِ الْمُتَتَجَبِّينَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ
اَجْمَعِينَ وَتَغَمَّدْنَا بِعَفْوِكَ عَنَّا فَالْيَاكَ عَجَّتِ الْاَصْوَاتُ بِصُئُوفِ اللُّغَاتِ فَاجْعَلْ لَنَا
اَللّٰهُمَّ فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ نَصِيبًا مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تَقْسِمُهُ بَيْنَ عِبَادِكَ وَثَوْرٍ تَهْدِي
بِهِ وَرَحْمَةً تَنْشُرُهَا، وَبَرَكَهٍ تُنْزِلُهَا وَعَافِيَةٍ تُجَلِّلُهَا وَرِزْقٍ تَبْسُطُهُ يَا اَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ اَقْلِبْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ مُنْجِحِينَ مُفْلِحِينَ مَبْرُورِينَ غَانِمِينَ
وَلَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْقَانِطِينَ وَلَا تُخْلِنَا مِنْ رَحْمَتِكَ وَلَا تَحْرِمْنا مَا نُؤَمِّلُهُ مِنْ فَضْلِكَ
وَلَا تَجْعَلْنَا مِنْ رَحْمَتِكَ مَحْرُومِينَ وَلَا لِفَضْلٍ مَا نُؤَمِّلُهُ مِنْ عَطَائِكَ قَانِطِينَ وَلَا
تَرُدَّنَا خَائِبِينَ وَلَا مِنْ بَابِكَ مَطْرُودِينَ يَا اَجُودَ الْاَجُودِينَ وَاَكْرَمَ الْاَكْرَمِينَ اِلَيْكَ
اَقْبَلْنَا مُوقِنِينَ وَلِبَيْتِكَ الْحَرَامِ اَمِينَ قَاصِدِينَ فَاعِنَّا عَلَى مَنَاسِكِنَا وَاَكْمِلْ لَنَا
حَجَّنَا * حج مارو كامل كن، ان شاء الله عرفات اين حرفارو بز نیم، بخدا دور از دسترس
نیست، خوب یا بد دعوت می کنند، بخدا برا بی بی کاری نداره دعوت کنه... * وَاَعْفُ
عَنَّا وَعَافِنَا فَقَدْ مَدَدْنَا اِلَيْكَ اَيْدِيَنَا فَهِيَ بِذِلَّةِ الْاِعْتِرَافِ مَوْسُومَةٌ اَللّٰهُمَّ
فَاعْطِنَا فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ مَا سَأَلْنَاكَ، وَاكْفِنَا مَا اسْتَكْفَيْنَاكَ فَلَا كَافِيَ لَنَا

سِوَاكَ وَلَا رَبَّ لَنَا غَيْرُكَ نَافِذٌ فِينَا حُكْمُكَ مُحِيطٌ بِنَا عِلْمُكَ عَدْلٌ فِينَا قَضَاؤُكَ
 إِقْضِ لَنَا الْخَيْرَ وَاجْعَلْنَا مِنْ أَهْلِ الْخَيْرِ اللَّهُمَّ أَوْجِبْ لَنَا بِجُودِكَ عَظِيمَ الْأَجْرِ
 وَكَرِيمَ الذُّخْرِ وَدَوَامَ الْيُسْرِ وَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا أَجْمَعِينَ وَلَا تُهْلِكْنَا مَعَ الْهَالِكِينَ
 وَلَا تَصْرِفْ عَنَّا رَأْفَتَكَ وَرَحْمَتَكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي هَذَا
 الْوَقْتِ مِمَّنْ سَأَلَكَ فَأَعْطَيْتَهُ وَشَكَرَكَ فَزِدْتَهُ وَتَابَ إِلَيْكَ فَقَبِلْتَهُ وَتَنَصَّلَ إِلَيْكَ
 مِنْ ذُنُوبِهِ كُلِّهَا فَغَفَرْتَهَا لَهُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ اللَّهُمَّ وَنَقِّنَا وَسَدِّدْنَا وَاقْبَلْ
 تَضَرُّعَنَا يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَيَا أَرْحَمَ مَنْ اسْتُرْحِمَ يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ
 إِغْمَاضُ الْجُفُونِ وَلَا لَحْظُ الْعُيُونِ وَلَا مَا اسْتَقَرَّ فِي الْمَكُونِ وَلَا مَا انْطَوَتْ
 عَلَيْهِ مُضْمَرَاتُ الْقُلُوبِ إِلَّا كُلُّ ذَلِكَ قَدْ أَحْصَاهُ عِلْمُكَ وَوَسِعَهُ حِلْمُكَ
 سُبْحَانَكَ وَتَعَالَيْتَ عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا تُسَبِّحُ لَكَ السَّمَوَاتُ
 السَّبْعُ وَالْأَرْضُونَ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ، فَلَكَ الْحَمْدُ
 وَالْمَجْدُ وَعُلُوُّ الْجَدِّ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَالْفَضْلِ وَالْإِنْعَامِ وَالْإِيَادِي الْجِسَامِ
 وَأَنْتَ الْجَوَادُ الْكَرِيمُ الرَّؤُوفُ الرَّحِيمُ اللَّهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ
 وَعَافِنِي فِي بَدَنِي وَدِينِي وَآمِنْ خَوْفِي وَأَعْتِقْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ اللَّهُمَّ لَا
 تَمْكُرْ بِي وَلَا تَسْتَدْرِجْنِي وَلَا تَخْدَعْنِي وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنَّ
 وَالْإِنْسِ* رُوز دَارِه تموم میشه، به این جا که امام حسین رسید چنان گریه اش اوج
 گرفت، ناله اش بلند شد، میگن: چشماش مثل دو مشک آب شروع کرد به گریه

کردن، اهل بیتش همه نگاه می کردن، دیگه حرف ها همه کنار رفت، گریه ی خود ارباب موضوع شد...*

يا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ يا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ وَيَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ السَّادَةِ الْمَيَامِينِ وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ حَاجَتِي الَّتِي إِنْ أَعْطَيْتَنِيهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي وَإِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أَعْطَيْتَنِي أَسْأَلُكَ فَكَأَنَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ* مِنْ أَزْتِ مَخَواِمِ مَنْوَ

از آتیش جهنم دورم کنی...* لا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، لَكَ الْمُلْكُ وَلَكَ الْحَمْدُ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يَا رَبُّ يَا رَبُّ....* میگو: اینقدر امام حسین صدا زد، تا نفس ها دیگه قطع شد، گریه ها شروع شد...*

إِلَهِي أَنَا الْفَقِيرُ فِي غِنَايَ فَكَيْفَ لَا أَكُونُ فَقِيرًا فِي فَقْرِي إِلَهِي أَنَا الْجَاهِلُ فِي عِلْمِي فَكَيْفَ لَا أَكُونُ جَاهِلًا فِي جَهْلِي إِلَهِي إِنَّ اخْتِلَافَ تَذْبِيرِكَ وَسُرْعَةَ طَوَاءِ مَقَادِيرِكَ مَنَعَا عِبَادَكَ الْعَارِفِينَ بِكَ عَنِ السُّكُونِ إِلَى عَطَاءٍ وَالْيَأْسِ مِنْكَ فِي بَلَاءٍ إِلَهِي مَنَى مَا يَلِيقُ بِلُؤْمِي وَمِنْكَ مَا يَلِيقُ بِكَرَمِكَ. إِلَهِي وَصَفْتَ نَفْسَكَ بِاللُّطْفِ وَالرَّأْفَةِ لِي قَبْلَ وُجُودِ ضَعْفِي أَفَتَمْنَعُنِي مِنْهُمَا بَعْدَ وُجُودِ ضَعْفِي إِلَهِي إِنْ ظَهَرَتِ الْمَحَاسِنُ مِنِّي فَبِفَضْلِكَ وَلَكَ الْمِنَّةُ عَلَيَّ وَإِنْ ظَهَرَتِ الْمَسَاوِي مِنِّي فَبِعَذْلِكَ وَلَكَ الْحُجَّةُ عَلَيَّ إِلَهِي كَيْفَ تَكِلُنِي وَقَدْ تَكَفَّلْتَ لِي وَكَيْفَ أَضَامُ وَأَنْتَ النَّاصِرُ لِي أَمْ كَيْفَ أَخِيبُ وَأَنْتَ الْحَفِيُّ بِي هَا أَنَا

اتَوَسَّلْ إِلَيْكَ بِفَقْرِي إِلَيْكَ وَكَيْفَ اتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِمَا هُوَ مَحَالٌّ أَنْ يَصِلَ إِلَيْكَ أَمْ
 كَيْفَ أَشْكُو إِلَيْكَ حَالِي وَهُوَ لَا يَخْفَى عَلَيْكَ أَمْ كَيْفَ أُتَرْجِمُ بِمَقَالِي وَهُوَ
 مِنْكَ بَرَزٌ إِلَيْكَ أَمْ كَيْفَ تُخَيِّبُ آمَالِي وَهِيَ قَدْ وَفَدَتْ إِلَيْكَ أَمْ كَيْفَ لَا تُحْسِنُ
 أَحْوَالِي وَبِكَ قَامَتْ إِلَهِي مَا أَلْطَفَكَ بِي مَعَ عَظِيمِ جَهْلِي وَمَا أَرْحَمَكَ بِي
 مَعَ قَبِيحِ فِعْلِي إِلَهِي مَا أَقْرَبَكَ مِنِّي وَأَبْعَدَنِي عَنْكَ وَمَا أَرَأَفَكَ بِي فَمَا الَّذِي
 يَحْجُبُنِي عَنْكَ إِلَهِي عَلِمْتُ بِاخْتِلَافِ الْأَثَارِ وَتَنَقُّلَاتِ الْأَطْوَارِ أَنَّ مُرَادَكَ مِنِّي
 أَنْ تَتَعَرَّفَ إِلَيَّ فِي كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى لَا أَجْهَلَكَ فِي شَيْءٍ إِلَهِي كُلَّمَا
 أَخْرَسَنِي لُؤْمِي أَنْطَقَنِي كَرَمُكَ وَكُلَّمَا آيَسَنِي أَوْصَافِي أَطْمَعَنِي مِنْكَ.
 إِلَهِي مَنْ كَانَتْ مَحَاسِنُهُ مَسَاوِي فَكَيْفَ لَا تَكُونُ مَسَاوِيهِ مَسَاوِي وَمَنْ
 كَانَتْ حَقَائِقُهُ دَعَاوِي فَكَيْفَ لَا تَكُونُ دَعَاوِيهِ دَعَاوِي إِلَهِي حُكْمُكَ
 النَّافِذُ وَمَشِيَّتُكَ الْقَاهِرَةُ لَمْ يَتْرُكْ لِيذِي مَقَالٍ مَقَالًا وَلَا لِيذِي حَالٍ حَالًا إِلَهِي
 كَمْ مِنْ طَاعَةٍ بَنَيْتُهَا وَحَالَةٍ شَيَّدْتُهَا هَدَمَ اعْتِمَادِي عَلَيْهَا عَذْلُكَ بَلْ أَقَالَني
 مِنْهَا فَضْلُكَ إِلَهِي إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنِّي وَإِنْ لَمْ تَذْمِ الطَّاعَةَ مِنِّي فِعْلًا جَزْمًا فَقَدْ
 دَامَتْ مَحَبَّةٌ وَعَزْمًا إِلَهِي كَيْفَ أَعَزِمُ وَأَنْتَ الْقَاهِرُ وَكَيْفَ لَا أَعَزِمُ وَأَنْتَ الْأَمِيرُ.
 إِلَهِي تَرَدَّدِي فِي الْأَثَارِ يُوجِبُ بُعْدَ الْمَزَارِ فَاجْمَعْنِي عَلَيْكَ بِخِدْمَةِ تَوْصِلُنِي
 إِلَيْكَ كَيْفَ يُسْتَدَلُّ عَلَيْكَ بِمَا هُوَ فِي وُجُودِهِ مُفْتَقِرٌ إِلَيْكَ أَيْكُونُ لِغَيْرِكَ مِنَ
 الظُّهُورِ مَا لَيْسَ لَكَ حَتَّى يَكُونَ هُوَ الْمُظْهِرُ لَكَ مَتَى غِبْتَ حَتَّى تَحْتَاجَ إِلَى
 دَلِيلٍ يَدُلُّ عَلَيْكَ وَمَتَى بَعُدْتَ حَتَّى تَكُونَ الْآثَارُ هِيَ الَّتِي تُوَصِّلُ إِلَيْكَ

عَمِيَّتْ عَيْنٌ لَا تَرَاكَ عَلَيْهَا رَقِيباً وَخَسِرَتْ صَفْقَهُ عَبْدٌ لَمْ تَجْعَلْ لَهُ مِنْ حُبِّكَ
 نَصِيباً، إلهی آمَرْتِ بِالرُّجُوعِ إِلَى الْآثَارِ فَارْجِعْنِي إِلَيْكَ بِكِسْوَةِ الْأَنْوَارِ وَهِدَايَةِ
 الْإِسْتِبْصَارِ حَتَّى أَرْجِعَ إِلَيْكَ مِنْهَا كَمَا دَخَلْتُ إِلَيْكَ مِنْهَا مَصُونَ السِّرِّ عَنِ
 النَّظَرِ إِلَيْهَا وَمَرْفُوعَ الْهِمَّةِ عَنِ الْإِعْتِمَادِ عَلَيْهَا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ إلهی
 هَذَا ذُلِّي ظَاهِرٌ بَيْنَ يَدَيْكَ وَهَذَا حَالِي لَا يَخْفَى عَلَيْكَ، مِنْكَ أَطْلُبُ الْوُصُولَ
 إِلَيْكَ وَبِكَ أَسْتَدِلُّ عَلَيْكَ فَاهْدِنِي بِنُورِكَ إِلَيْكَ وَأَقِمْنِي بِصِدْقِ الْعُبُودِيَّةِ بَيْنَ
 يَدَيْكَ إلهی عَلِّمْنِي مِنْ عِلْمِكَ الْمَخْزُونِ وَصُنِّي بِسِتْرِكَ الْمَصُونِ. إلهی
 حَقِّقْنِي بِحَقَائِقِ أَهْلِ الْقُرْبِ وَاسْلُكْ بِي مَسْلَكَ أَهْلِ الْجَذْبِ إلهی آغْنِنِي
 بِتَدْبِيرِكَ لِي أَمَعَنْ تَدْبِيرِي وَبِاخْتِيَارِكَ عَنِ اخْتِيَارِي وَأَوْقِفْنِي عَلَى مَرَائِزِ
 اضْطِرَارِي إلهی أَخْرِجْنِي مِنْ ذُلِّ نَفْسِي وَطَهِّرْنِي مِنْ شَكِّي وَشِرْكِي
 قَبْلَ حُلُولِ رَمْسِي * من رو از ذلتِ نفسم بیرون بیار... یکی اومد خدمت امام حسین
 به پیراهن هدیه آورد، آقا پیراهن رو کردن تنشون، سریع در آوردن، پیراهن یه کم
 چسبون بود... آقا چرا در آوردید؟ آقا فرمود: من لباس ذلت تنم نمی کنم.... حالا
 بعضی ها پیراهن می پوشن، به زور هم نمیتونه باهش راه بره... این لباس ذلت... مثل
 آدم نمی تونن لباس بپوشن... * بِكَ أَنْتَصِرُ فَأَنْصُرْنِي وَعَلَيْكَ اتَّوَكَّلُ فَلَا تَكِلْنِي
 وَإِيَّاكَ أَسْأَلُ فَلَا تُخَيِّبْنِي وَفِي فَضْلِكَ أَرْغَبُ فَلَا تَحْرِمْنِي وَبِجَنَابِكَ أَنْتَسِيبُ

فَلَا تُبْعِدْنِي وَبِبَايِكَ أَقِفْ فَلَا تَطْرُدْنِي * من به آستانِ تو رو آوردم، دورم نکن، من در خونه ات ایستادم تردم نکن... * . إلهی تَقَدَّسَ رِضَاكَ أَنْ يَكُونَ لَهُ عِلَّةٌ مِنْكَ فَكَيْفَ يَكُونُ لَهُ عِلَّةٌ مِنِّي إلهی أَنْتَ الْغَنِيُّ بِذَاتِكَ أَنْ يَصِلَ إِلَيْكَ النَّفْعُ مِنْكَ فَكَيْفَ لَا تَكُونُ غَنِيًّا عَنِّي إلهی إِنَّ الْقَضَاءَ وَالْقَدَرَ يُمَنِّينِي وَإِنَّ الْهَوَى بِوَثَائِقِ الشَّهْوَةِ أَسْرَنِي فَكُنْ أَنْتَ النَّصِيرَ لِي حَتَّى تَنْصُرَنِي وَتُبْصِرَنِي وَأَغْنِنِي بِفَضْلِكَ حَتَّى أَسْتَغْنِيَ بِكَ عَنْ طَلَبِي أَنْتَ الَّذِي أَشْرَقْتَ الْأَنْوَارَ فِي قُلُوبِ أَوْلِيَائِكَ حَتَّى عَرَفُوكَ وَوَحَّدُوكَ وَأَنْتَ الَّذِي أَزَلْتَ الْأَغْيَارَ عَنْ قُلُوبِ أَحِبَّائِكَ حَتَّى لَمْ يُحِبُّوا سِوَاكَ وَلَمْ يَلْجَأُوا إِلَى غَيْرِكَ أَنْتَ الْمُؤْنِسُ لَهُمْ حَيْثُ أَوْحَشَتْهُمْ الْعَوَالِمُ وَأَنْتَ الَّذِي هَدَيْتَهُمْ حَيْثُ اسْتَبَانَ لَهُمُ الْمَعَالِمُ مَاذَا وَجَدَ مَنْ فَقَدَكَ * کسی که تو رو داره چی نداره... * وَمَا الَّذِي فَقَدَ مَنْ وَجَدَكَ * اون کسی که تو رو نداره چی داره؟ * لَقَدْ خَابَ مَنْ رَضِيَ دُونَكَ بَدَلًا وَلَقَدْ خَسِرَ مَنْ بَغَى عَنْكَ مُتَحَوِّلًا كَيْفَ يُرْجَى سِوَاكَ وَأَنْتَ مَا قَطَعْتَ الْإِحْسَانَ وَكَيْفَ يُطْلَبُ مِنْ غَيْرِكَ وَأَنْتَ مَا بَدَّلْتَ عَادَةَ الْإِمْتِنَانِ يَا مَنْ آذَقَ أَحِبَّائَهُ حَلَاوَةَ الْمُوَانَسَةِ فَقَامُوا بَيْنَ يَدَيْهِ مُتَمَلِّقِينَ وَيَا مَنْ أَلْبَسَ أَوْلِيَائَهُ مَلَابِسَ هَيْبَتِهِ فَقَامُوا بَيْنَ يَدَيْهِ مُسْتَغْفِرِينَ أَنْتَ الذَّاكِرُ قَبْلَ الذَّاكِرِينَ وَأَنْتَ الْبَادِي بِالْإِحْسَانِ قَبْلَ تَوَجُّهِ الْعَابِدِينَ وَأَنْتَ الْجَوَادُ بِالْعَطَاءِ قَبْلَ طَلَبِ

الطَّالِبِينَ* تو بخشنده ای قبل از اینکه کسی بخواد، تو احسان می کنی قبل از اینکه کسی عبادت کنه، یعنی نخواسته عطا میکنه...*

وَأَنْتَ الْوَهَّابُ، ثُمَّ لِمَا وَهَبْتَ لَنَا مِنَ الْمُسْتَقْرِضِينَ إِلَهِي أَطْلُبُنِي بِرَحْمَتِكَ حَتَّى أَصِلَ إِلَيْكَ وَاجْذِبْنِي بِمَنْكَ حَتَّى أَقْبِلَ عَلَيْكَ إِلَهِي إِنَّ رَجَائِي لَا يَنْقَطِعُ عَنْكَ وَإِنْ عَصَيْتُكَ كَمَا أَنَّ خَوْفِي لَا يُزِيلُنِي وَإِنْ أَطَعْتُكَ فَقَدْ دَفَعْتَنِي الْعَوَالِمُ إِلَيْكَ وَقَدْ أَوْقَعَنِي عِلْمِي بِكَرَمِكَ عَلَيْكَ إِلَهِي كَيْفَ أَخِيبُ وَأَنْتَ أَمَلِي أَمْ كَيْفَ أَهَانُ وَعَلَيْكَ مُتَّكِلِي إِلَهِي كَيْفَ أَسْتَعِزُّ وَفِي الدَّلَّةِ أَرْكَزْتَنِي أَمْ كَيْفَ لَا أَسْتَعِزُّ وَإِلَيْكَ نَسَبْتَنِي. إِلَهِي كَيْفَ لَا أَفْتَقِرُ وَأَنْتَ الَّذِي فِي الْفُقَرَاءِ أَقَمْتَنِي أَمْ كَيْفَ أَفْتَقِرُ وَأَنْتَ الَّذِي بِجُودِكَ أَغْنَيْتَنِي وَأَنْتَ الَّذِي لَا إِلَهَ غَيْرُكَ تَعَرَّفْتَ لِكُلِّ شَيْءٍ فَمَا جَهَلَكَ شَيْءٌ وَأَنْتَ الَّذِي تَعَرَّفْتَ إِلَيَّ فِي كُلِّ شَيْءٍ فَارَآيْتُكَ ظَاهِرًا فِي كُلِّ شَيْءٍ وَأَنْتَ الظَّاهِرُ لِكُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ اسْتَوَى بِرَحْمَانِيَّتِهِ فَصَارَ الْعَرْشُ غَيْبًا فِي ذَاتِهِ مَحْفَتَ الْأَثَرِ بِالْأَثَرِ وَمَحَوْتَ الْأَغْيَارَ بِمُحِيطَاتِ أَفْلَاكِ الْأَنْوَارِ يَا مَنْ احْتَجَبَ فِي سُرَادِقَاتِ عَرْشِهِ عَنْ أَنْ تُدْرِكَهُ الْأَبْصَارُ يَا مَنْ تَجَلَّى بِكَمَالِ بَهَائِهِ فَتَحَقَّقَتْ عَظَمَتُهُ الْإِسْتِوَاءَ كَيْفَ تَخْفَى وَأَنْتَ الظَّاهِرُ أَمْ كَيْفَ تَغِيبُ وَأَنْتَ الرَّقِيبُ الْحَاضِرُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَحْدَهُ.

* حالا همه عرفه رو خوندن، همه راهی هستن از عرفات، تنگِ غروبِ عرفه ای همه

میخوان برن مکه، وقوف تموم شده، حالا همه لَبَّيْكَ بَگن: * { لَبَّيْكَ، اَللّٰهُمَّ لَبَّيْكَ... لَبَّيْكَ

لا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ... اِنَّ الْحَمْدَ ... وَ النِّعْمَةَ... لَكَ وَ الْمُلْكُ... لا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ... }

* همه دارن میرن عرفات... حسین داره میره کربلا... * { لَبَّيْكَ، اَللّٰهُمَّ لَبَّيْكَ... لَبَّيْكَ لا

شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ... اِنَّ الْحَمْدَ ... وَ النِّعْمَةَ... لَكَ وَ الْمُلْكُ... لا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ... }

* عباسم! مواظب بچه ها باش، کسی تشنه نمونه... * { لَبَّيْكَ، اَللّٰهُمَّ لَبَّيْكَ... لَبَّيْكَ لا

شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ... اِنَّ الْحَمْدَ ... وَ النِّعْمَةَ... لَكَ وَ الْمُلْكُ... لا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ... }

آخه یه نفر دیگه هم داره صداس میزنه، امروز همه دور دارالاماره رو گرفتن، یکی

گفت: مسلم رو می‌کشن، یکی گفت: آزادش میکنن، یکی گفت: زندانش میکنن، تبعیدش

میکنن... یه وقت دیدن یه بدن بی سر از بالای دارالاماره... ای حسین... *

بَابُ الْحَرَمِ

اولین پایگاهِ متنِ روضه در ایران